



معنویت و قرن بیست و یکم

بایداناس سارا سوراتی

انسان را خواه ناخواه به بهشت مرعود، مسیری خیالی در آینده رهنمون خواهد ساخت. تمام مذاهب در این موضوع اتفاق نظر دارند که آینده بشر به دست یک نظام «جهان وطنی» رقم خواهد خورد. مقاطع مشخصی تحت عناوین گذشته یا آینده وجود ندارند، می‌توان در باب واقعه‌ای صحبت کرد که پیش از واقعه

خواهند شد. این انسان جدید ماحصل تسخیر طبیعت به دست انسان مدرن خواهد بود. ولی باید توجه داشت که جریان امروزی، نه تنها اثری از پیشرفت به همراه ندارد، بلکه به ایجاد بحران همه جانبه‌ای در زندگی بشر می‌انجامد.

۲. باب قرن بیست و یکم با این فرض گشوده شده است که توسعه تکنولوژی،

با توجه به موضوع معنویت و آینده بشر در پیوند با زمین و کائنات، ذکر چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

۱. انسان مدرن با تکیه بر اعجاز عظیم تکنولوژی خود، رو به سوی پرستش خویش آورده است. برخی از متفکران معاصر بر این عقیده‌اند که نسل‌های جدید و پیشرفته‌تری بر صحنه بعدی تکامل ظاهر



دیگری رخ داده است. وقایع در قالب زمان، نظام یافته‌اند، درست مانند صفحات یک کتاب که در یک فضای محدود منظم شده‌اند.

۳. قوانین فیزیک به ما می‌گویند که دنیای فیزیکی نظام یافته است، هر چند هیچ‌کس نداند این قوانین از کجا آمده‌اند. اما زمانی که خلقت به یک خداوند نسبت داده شود، این حقیقت که جهان جلوه‌ای از ذات اوست، هرگونه تضادی را از میان می‌برد. جهان هستی از قوانین خاص بشری و یا الگوی ذهنی بشر از واقعیت پیروی نمی‌کند؛ بلکه این حیات بشری است که به‌طور اجتناب‌ناپذیری از جهان هستی مایه گرفته و به قوانین آن وابسته است.

۴. تکنولوژی مدرن انسان را به نقطه مرگباری رسانده است که او ناگزیر از نابودکردن خویش است. این همان چیزی است که علائم مرض باسماسور (Bhasmasur) نامیده می‌شود، که برگرفته از اسطوره‌ای هندویی است.

اهریمنی هزاران سال ریاضت کشید تا از شیوا (خدای مرگ) عطیه‌ای دریافت کند. خدای مرگ خشنود از اعمال او، بر او ظاهر شد و چنین گفت: «عطیه‌ای بخواه». اهریمن استغاثه کتان اظهار داشت: «خدای من اگر از اعمال من رضایت کامل داری، چنان مقدر کن که من صاحب قدرتی باشم که با گذاشتن دست خود بر سر هر کسی که می‌خواهم، او را به خاکستر تبدیل کنم». شیوا گفت: «چنین خواهد بود» حالا اهریمن می‌خواهد که به عنوان آزمایش، این قدرت را در مورد خود شیوا اعمال کند و می‌رود تا بر سر ولی نعمت دست بگذارد. خدای مرگ در ناامیدی کامل پا به فرار می‌گذارد و باسماسور اهریمن از پی او دوان است. دست آخر، شیوا با وحشت تمام به ویشنو (خدای حفاظت و نگهداری) پناه می‌برد. ویشنو بی‌درنگ در هیبت موهینی

پذیرفته با شور بسیار به رقص می‌پردازد. اهریمن در تقلید حرکات رقص موهینی دست خود را بالاتر و بالاتر می‌برد تا اینکه بر سر خویش اصابت کرده او را به خاکستر تبدیل می‌کند.

آیا این عجیب نیست که این اهریمن، در عوض درخواست عمر جاودانه برای خویش، قدرت نابود کردن دیگران را تقاضا

(Mohini) (زنی بسیار فریبا) درآمده، و در سایه درختی در مسیر اهریمن می‌نشیند. اهریمن، فریفته زیبایی موهینی شده، توقف کرده و از او درخواست معاشقه می‌کند. موهینی در پاسخ به این درخواست می‌گوید: «من رقاصه‌ای هستم، چنانچه خیال کامیابی از من داری، باید که در رقص با من برابری کنی. باسماسور پیشنهاد او را

می‌کند؟ شاید نه. اهریمن با درخواست چنین عطیه‌ای، بالاترین قدرت شیوا را تصاحب می‌کند و بدین ترتیب، هنگامی که این عطیه به او داده می‌شود، خدای مرگ درمانده و ناتوان می‌گردد. محتوای باسامسور، مصداق عصر مدرن است که به انسان عطیه تکنولوژی اهریمنی بخشیده است.

۵. در اکثر مذاهب عقیده بر این است که، تکامل انسانی صرفاً در قالب قطع پیوند از دنیای پدیده‌ها به شوق دنیای جاودانه روحانی پنداشته می‌شود؛ آنچه سزنوشت حقیقی انسان را طرح می‌ریزد. جای خرسندی است که میان انسان علمی و انسان معنوی نقاط مشترکی وجود دارد. تئوری‌های علم امروزی بر این محور استوارند که مسئله غامض و حیرت‌انگیز خلقت از اهمیت خاصی برخوردار است. فهم معنوی جهان سیال نیز کمابیش به همین صورت است.

۶. مبحث هستی‌شناسی زندگی و مرگ، تجربه‌ای یکسان به دست می‌دهد، چرا که مرگ، حیات جدیدی به همراه دارد، سفری از یک منزل به منزل دیگر. این عقیده تمام مذاهب معتقد به آخرت است.

۷. الگوی بیانات منطقی «عصر تجدّد» متضمن عقیده‌ای از قرار ذیل است: «مذهب، ساختار منظم ایمان، عامل محدودیت رفتاری بشر و گرایش بسیار ناچیز به پردازش نفس است. وجود عوامل بازدارنده در این میان به قدری چشم‌گیر است که پیروان یک مذهب هیچ‌گاه آن‌گونه که باید از دنیا لذت نمی‌برند. دنیا، آئینه بسی حد و حصر زیبایی است، اما هیچ مذهبی آن را نمی‌بیند. دوری جستن از دنیا، پدیده‌ها و الویت آسمان بر زمین، آموزش تمامی مذاهب است.»

معنویت نظامی باز است که محدود به فضا و زمان نیست، و از آنجا که این، سفری

نه واقعیت پنهان است، لذا انسان را به همه جا می‌برد، به درون و بیرون؛ و هیچ تمایزی میان معنوی و دنیوی، رفیع و پست قائل نمی‌شود.

در این روزگار «علم محض» تحت سلطه هرچه بیشتر تکنولوژی و خدمتگزاری در جهت پیشرفت، رو به منته شدن است و در نتیجه این امر به ایجاد تنشی میان علم و جامعه می‌انجامد که در آن هیچ‌یک از این دو، قالب منسجمی ندارند.

تکنولوژی هندو از هفت عنصر اصلی برخوردار است:

۱. تکنولوژی تحت نظامی روحانی است. ۲. تکنولوژی باید حرمت والایی برای زندگی قائل باشد. ۳. تکنولوژی باید بالاترین اهمیت را به ارزش‌های زیباشناختی اختصاص دهد. ۴. تکنولوژی باید ساده و الزاماً تحت اختیار بشر باشد. ۵. تکنولوژی باید نیاز بشر را به حداقل رسانده و ایجاد رضایت خاطر کند. ۶. تکنولوژی باید در سطح تولیدی عاری از حرکت‌های رقابت‌مندانۀ منفی باشد. ۷. تکنولوژی باید در نهایت امر به سر منزل روحانی خویش رهنمون شود.

متأسفانه هیچ‌یک از این عناصر در «تکنولوژی مدرن» جایی ندارند.

نتیجه اینکه: تکنولوژی «باسامسور» قرن بیست و یکم، اندیشه هولناکی است. این تکنولوژی اهریمنی هر کجا در تعقیب بشر است. تقدس‌بخشی تکنولوژی به معنای درک محدودیت‌های توانایی خود انسان است. انسان مدرن، آماده نیست تا در پیشگاه منطق خویش سر تعظیم فرورد آورد. انسان معنوی، او که حضور آینده را احساس می‌کند، هیچ نگرانی، اضطراب و هراسی در دل ندارد؛ چرا که با پرشی عظیم به حریم آگاهی جهانی رسیده است. او می‌داند که زمین، عضوی زنده و پیوسته در

جریان تجدید حیات خویش است. جهان عضوی خودساز و خودمتکی است. تکنولوژی قادر به نابودی جهان نیست، بلکه دنیای انسان را به ویرانی می‌کشد.

همچنین این امکان وجود دارد که برخی نسل‌های بشری در یک جریان طبیعی به انقراض رسیده، تیره‌های جدیدی پا به عرصه وجود بگذارند. معنویت محدود به نوع بشر نیست، بلکه التزام وجودی تمام موجودات کیهانی است، حتی پرندگان و حیوانات نیز از قدرت‌های معنوی برخوردارند.

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران -
دهلی‌نو

